**یکپارچگی نژادی ژاپن و مسئله کارگران خارجی: کارگران مهاجر در ژاپن**

**کارگران مهاجر در ژاپن**

وقتی از ژاپنی‏ها می‏خواهید که علت‏ موفقیت اقتصادی فوق العاده خود را توضیح‏ دهند اغلب می‏گویند:"تن-اینسومین‏ راکو"،یعنی مردم کشور نژادی یکپارچه‏اند که برای خیر عام کار می‏کنند.اما بالا رفتن استاندارد زندگی برای تمام خانواده‏ها به این معنی است که کارهای پست و کارگری‏ ساده‏دستی،دیگر مطلوب ژاپنی‏ها نیست‏ و بیشتر آنان چنان کارهائی را مناسب‏ وقار و احترام خود نمی‏دانند.وجود هزاران شغل کارگری که حقوق نسبتا خوب‏ هم دارند اما کارگران ژاپن را جلب نمی‏کنند باعث‏شده که ژاپن به صورت یک مرکز مغناطیسی جلب کارگران مهاجر از کشور های فقیر آسیا و آفریقا درآید.

کارگران خارجی غیرقانونی نه تنها از کشورهای جنوب شرقی آسیا مانند فیلیپین‏ و تایلند می‏آیند بلکه از نقاط بسیار دور همچون بنگلادش،ایران،غنا و نیجریه‏ ژاپن راه یافته‏اند.با آن‏که این کارگران‏ خارجی کمتر از یک درصد جمعیت ژاپن‏ را تشکیل می‏دهند،شمار آنان در سالهای‏ اخیر افزایش حیرت‏انگیزی داشته است. در سال 1990 مامورین اداره مهاجرت‏ ژاپن 29884 کارگر غیرقانونی خارجی‏ را دستگیر و از ژاپن اخراج کرده‏اند.ان‏ رقم 80 درصد از 16608 نفر در سال پیش‏ بیشتر است.محاسبه شمار کارگران غیر قانونی خارجی به گفته حکومت ژاپن حدود 100000 نفر است اما مطبوعات ژاپن‏ آن را حدود 300000 نفر اعلام کرده‏اند. تغییرات اخیر در قوانین ژاپن صدور ویزا برای خارجیان را سخت‏تر کرده و در دو مورد پاکستان و بنگلادش-ویزای توریستی‏ کوتاه‏مدت آزاد کلا لغو شده است.

اما اگر شماره یک گروه از کارگران خارجی‏ کاهش می‏یابد گروههای دیگر جای آن را به سرعت پر می‏کنند.در میان مهاجران‏ جدید همچنین 150000 ژاپنی تبعه کشور های آمریکای جنوبی دیده می‏شود که‏ یکی دو نسل پیش به آن کشورها مهاجرت‏ کرده بودند.البته اینان قانونا وارد می‏شوند از ترس شناخته شدن به وسیله‏ مجریان قانون جراحات خود را نیز پنهان‏ می‏کنند چه رسد به برخورداری از بیمه‏ و بهداشت و مرخصی و ورزش و تفریح و دیگر مزایای عادی آن کشور.

در میان کارگران غیرقانونی،ایرانی‏ها بیشتر از دیگران چشم گیرند.در سال‏ 1989،17050 نفر ایرانی در جستجوی‏ به 32125 نفر یعنی 88 درصد افزایش‏ یافت.نزدیک به 34000 نفر از آنان‏ هنگام ورود به مامورین ژاپن گفته‏اند که‏ برای گردش و تماشا به ژاپن آمده‏اند. براساس توافق بین دو کشور،ایرانی‏ها می‏توانند تا 90 روز بدون ویزا در ژاپن‏ بمانند.

وزارت دادگستری ژاپن تلاش می‏کند راه را به روی ورود آنان ببندد و آن شماری‏ را که غیر قانونی کار می‏کنند دستگیر و اخراج کند،و هرچند گاهی جریمه‏های‏ سنگین از استخدام‏کنندگان کارگران غیر قانونی خارجی می‏گیرد.اما بسیاری از شرکت‏ها می‏گویند که حکومت به‏طور ضمنی‏ و تلویحی حضور کارگران خارجی را پذیرفته‏ است زیرا آنان سه طبقه از کارهائی را انجام می‏دهند که ژاپنی‏ها از آنها گریزانند. کارهای سخت و پست،کارهای کثیف، کارهای خطرناک.

کارگران خارجی حکومت ژاپن را سرگردان کرده‏اند.وزارت دادگستری‏ نگران بی‏نظمی و مشکلات اجتماعی است‏ که ورود کارگران خارجی بیشتر ممکن است‏ تولید کند.وزارت خارجه از قواعد آزادتر مهاجرت پشتیبانی می‏کند.وزارت کار نیز موافق ورود کارگران خارجی است زیرا تشخیص می‏دهد که برای بسیاری از کارگاهها و شرکت‏های کوچک دستمزد بالای کارگر ژاپنی کمرشکن است.اما وزارت کار از آینده‏نگران است که به علت رکود اقتصادی‏ بار دیگر ژاپنی‏ها خواستار آن کارهای‏ پست شوند.

به نظر می‏رسد به‏طور کلی مردم ژاپن‏ وجود کارگران خارجی را پذیرفته‏اند اما بدون اشتیاق،یک بررسی دولتی نشان‏ می‏دهد که بیش از نیمی از پاسخ‏دهندگان‏ به مسئله کارگران خارجی وجود آنان را به صورت نوعی ضرورت نامطلوب و موقت‏ پذیرفته‏اند.55 درصد آنان گفته‏اند که‏ شمار روزافزون کارگران غیرژاپنی‏"چیز خوبی‏ نیست اما فعلا چاره دیگری هم‏ نیست."

بیشتر کارگران خارجی در کارگاهها و کارخانه‏های کوچک و پروژه‏های ساختمانی‏ کار می‏یابند.در میان کارگران یک کارخانه‏ کوچک چرمسازی یک ایرانی 25 ساله به‏ نام خسرو دیده می‏شود که 18 ماه پیش‏ به ژاپن آمده.کار او در تهران کمک به‏ برادرش در فروش گل بوده با دستمزد روزانه تنها یک دلار.آن زمان دوستی‏ او را راهنمائی کرده که:"اگر پول می‏خواهی‏ به ژاپن برو."حال خسرو از 7 صبح تا 6 بعدازظهر-با یک ساعت وقت ناهار- شش روز هفته در آن چرمسازی چرم می‏کشد. حقوق او که برای یک کارگر خارجی غیر قانونی نسبتا خوب است ماهی 2200 تا 3000 دلار می‏باشد.خسرو به یاری‏ رئیس کارگاه توانسته یک آپارتمان کوچک‏ و مناسب اجاره کند،امکانی که برای امثال‏ او بسیار نادر است.

خسرو نیز مانند دیگر کارگران غیر قانونی از بیمه تصادفات و بهداشت محروم‏ است و صاحب کار او فکر نمی‏کند در صورت‏ مجروح شدن او بتواند از مزایای بهداشتی‏ معمول در کشور استفاده کند.همسایگان‏ خسرو شکایت می‏کنند که او آشغال خود را در روزهای نامربوط بیرون نمی‏گذارد- شکایت معمول ژاپنی‏های منظم و وسواسی‏ از کارگران خارجی.اما خسرو می‏گوید "فکر می‏کنم آپارتمان من تمیزتر از منازل‏ ژاپنی‏ها باشد".بهرحال،صاحب کار او نگران است که همسایگان او را از آپارتمان‏ بیرون کنند.

برکنار از کار او،زندگی خسرو در ژاپن‏ کاملا ساده و بی‏رنگ است.روزهای‏ یکشنبه که تعطیل دارد معمولا در آپارتمان‏ می‏نشیند و به خانواده خود در ایران نامه‏ می‏نویسد.از زندگی اجتماعی خود می‏گوید: "سعی کردم دوست ژاپنی پیدا کنم اما من ژاپنی صحبت نمی‏کنم."وقتی از او پرسیده شد که آیا ژاپنی‏ها با خارجیان‏ رفتار دوستانه دارند سر به نفی تکان داد اما حاضر نیست به ایران بازگردد."من‏ نمی‏توانم در ایران کاری به دست آورم. در آن‏جا فقط بیکاری است و بی‏پولی‏" او می‏گوید که ممکن است برای ازدواج به‏ ایران بازگردد و سپس می‏افزاید:"پس‏ از آن شاید به آلمان بروم.خواهرم آن‏ جا زندگی می‏کند.ممکن است بتواند کمک‏ کند که در آلمان کاری پیدا کنم."